

مرد آزاد

یادداشت یومیه

ایرانی = وقتی که کش را گرفت = تب نوبه اش برآورد = حصه و مطایبه اش را اند = خلاصه وقتی دوره طفول گذشت = ایام جوانیش با خرید و کامل مرد شد یک آدم گری از آب در می آید که دل و دماغ کاردر او نیست . البته نمی گوئیم از شدت ملالت دو بقیله می خور منتظر ملک الموت می شود و ماسخ سوغتی گریاک می خرد = با از فرط دل آسردگی شورا لازم پرت می کند . نه - این طور بر روی همپوشانی هم بزنند دارند = اگر گریاک نمی خورد غریاک می کشد = اگر خودش را با برت نمی کند لا اقل دستش هم بی گار نمی رود و در چندن ساعت هوش را به دست میدهد .

علت این لغتی و محالی چیست ؟ برای چه ما این لمرده و لا ابالی و کسل هستیم مسلم یک قسمت از آسردگی مربوط به هوای گرم ایران است نوبه بی بیرو است که از آب همه ما باج می گیرد . اما علت اصلی دل کی ما بی نتیجه بودن سعی و کوشش است . شوق بکار بسته به عمل است . در خوش آب و گریب فقط دنیا هم اگر انسان نتیجه ندهد کی را دشمن پاره لب ببیند و بر - طبعا = بی خواهد نشست و دل سرد خواهد کرد . در آن ممالکی که دانه کار

همه جایی است - کار سر مایه و ثروت است - کار تمول میدهد = کار به دارائی میرساند . در ایران بر عکس = غالباً سعی و زحمت = مثل بذرافشانی در کویر جند ق - کوشش بی فایده است : با کار میشود منحنی و شکسته و قوزی شد ولی انتظار اجر دیگر نباید داشت . علت این ترتیب چیست ؟ چرا کار در ایران حاصل نمیدهد ؟ بظن ما دو سبب دارد : از یک طرف بواسطه انقلاب صنعتی دنیا سبب غرب - کشته و بافته ایرانی محال است حرف کند - سود میدهد - و بلاک و ناچر و کارگر ایرانی را به نوالی برساند . از طرف دیگر در ایران امنیت اقتصادی نیست - یعنی پس از آنکه بهر کار جانی کردن دارائی و سرمایه هم زود نازم اطمینان ندارد که ثروت شما برای شما باز ماندن شما خواهد ماند . تمام سرمایه ملکی شما را یک مزر کافه ساز و دوسه نفر با مروت دیگر می توانند بیدیکریه انتقال بدهند . کلیه دارائی قدر شما را یک نفر تاجر و ز شکسته ممکن است برای یک دیش ذخیره کند . با این حال چرا ایرانی باید زحمت بکشد و بطور آسوده نباشد بچه دلخوشی بدود ؟ سرمایه و ثروت منحصر به مادیات نیست . نیک نامی و شرافت هم یک نوع دارائی است . در همه جای عالم مردم برای کسب این سرمایه زحمت ها می کشند - حتی برای تحصیل شرافت از تول مادی صرف نظر میکنند . در محیط ما - بر عکس = دنبال ثروت رفتن بر معمول نیست

نتیجه استخراج آراء

۳۹۸۷	۱ مؤمن الملک
۳۶۴۷	۲ مشیر الدوله
۳۵۹۱	۳ سلیمان میرزا
۳۳۱۵	۴ متوفی الممالک
۳۰۴۳	۵ شیخ علی مدرس
۲۵۴۲	۶ تقی زاده
۱۹۸۱	۷ مصدق السلطنه
۱۸۵۵	۸ خرقانی
۱۸۴۷	۹ سید ضیاء الدین
۱۸۲۹	۱۰ آشتیانی
۱۸۱۰	۱۱ علانی
۱۸۲۱	۱۲ سید حسن مدرس
۱۷۴۸	۱۳ نصرت الدوله
۱۷۴۰	۱۴ توام السلطنه
۱۷۱۱	۱۵ بهبهانی

کتر اتفاق می افتد کسی صرف از برای نیک نامی زحمت بخورد بدهد - منافع مادی را هیچ بشمارد ؟ چرا ؟

بدلیل اینکه در مملکت خراب ما شرافت هیچ کس جوانی نیست . هر قدر می خواهید مراعات بکنید - نامی نزنید به معنی سبزه و درستی زندگی کنید - وقتی عدالت آرزو شرف آبار کرده و بتدریج اوند نیک نامی روی هم روختید جزم ده نفر بی سرو پای خدانشناس برای از میان بردن شرافت شما کافی است .

هر چای و سندی به ناپاکی و بی شرفی شما حکم می دهند و نیک نامی . . . حیوان بگفته ان ها سر می بیند . با این حال چطور می شود توقع داشت که مردم دنبال کسب شرف بروند ؟ چرا ؟ بچه امیبه ؟ برای چه نتیجه ؟ بچه اطمینان ؟ ها اور

سیاست و خارج
گردای بلغار
در مقاله دیروز گفتیم حکومتی که ساقط شد از حسرت دعا وین و فلاحین - یعنی حزب لاه رو بلغار می باشد . در بلخارستان همیشه اشخاص منور الفکر طرفدار صرف مقدونیه بوده اند

حالی که آن ها سر کار آمده اند اسباب وحشت سرستان را فراهم کرده و حتی روز فوم کودتا صحبت از تجهیزات نظامی بمیان آمد . اکنون بلخارستان از جهت قوای نظامی ضعیف است زیرا بموجب عهد نامه (نویسی) که با متفقین بست قرار داد کرد که از عده قشون خود بشمار بیاهد . ولی از این بیعه که حزب ارتجاعی زمام امور را در دست خواهد داشت - همسایگان بلغار باید احتیاط را از دست ندهند . خیر تجهیزات نظامی سرستان از همین نقطه نظر بوده است . این کودتا اثرات زیاد در کفرانسی لوزان خواهد داشت . متفقین هم قدری از آن عصبانی شده اند . تمام عالم متعجب شده که نهضت ملی عثمانی باعث موفقیت ترک ها و بموجب پاره شدن معاهده (مور) گردید . این مسئله برای بلغار حقیق شد و متفقین می ترسند که بلغار کمینت کنند و یک سیاست جدیدی برای انقضاء معاهده (نویسی) در پیش بگیرد . البته اگر چنین حادثه ای رخ دهد در بلخارستان جنگ شروع خواهد شد و بواسطه عدم منافع عثمانی در این شبه جزیره - برونگه به تمام اروپا سوایت خواهد کرد . اثرات کودتا بر کفرانسی لوزان از این نقطه نظر است که عثمانی بلخار را یکی از متحدین احتمالی خود تصور می کند . و اما راجع به مسئله (روهو) و غرابان - آلمان قدری لحن خضوع و خضوع خود را تغییر خواهد داد زیرا این کودتا بمنزله زنده شدن یکی از متحدین قدیمی وی میباشد . روسیه هم از این حادثه استفاده خواهد کرد . با وجود این که نهضت اخیر - نهضت ارتجاعی است و بر ضد اصولی است که روس ها خود را می خواهند طرفدار آن قلمداد کنند . ممالک به آن کک و مساعدت خواهد کرد و بر ضد دعا وین و فلاحین بلغار اقدام خواهند نمود . امروز روسیه معنای سیاست را میدانند و فهمیده است که در این قسمت احساسات عامل مؤثر نیست . تمام فریاد هائی هم که تا بحال به نام ملی شدن بلخار برای خافخ روسیه و سیاست روسیه بود و الا دلش برای ضعفا هیچوقت کبما ب نشده و نخواهد شد . گردای بلغار یک نهضت جدیدی است بر ضد عقاید روس - بر ضد عقایدی که متشاور میدانند مذکور بوده . این نهضت شایع نام دارد به نهضت فاشیست ها در ایتالیا .

مقاله معایب ساری و امروز را با دقت بخوانید .

معایب اساسی

در مقاله قبل دیدید چگونه عام - الاشیاء - شرعیات و تاریخ را در مدارس ما تدریس میکنند . جغرافیا - اخلاق - دستور زبان - فارسی - هندسه - تعلیمات مدنی - تمام این ها موادی هستند که اطفال مجبورند از حفظ کنند . این مواد را که از پروگرام معارف ابتدائی خارج کردید باقی میماند تدریس فارسی و حساب . قطعات منتهیه از فرستادن در شانگردان می خوانند در بعضی از مدارس کلمات شکسته را هم برای تدریس معنی میکنند . ولی اگر تصور کنید که معلم و شاگرد در درجه اولی تمام تصادم فکری کنند - در درجه دوم اظهار رای کنند - در درجه سوم گفتگو کنند - در درجه چهارم اظهار و تالیف و تالیف به اطفال بدهند - این طور شما منتظر است . حساب را هم تدریس در تمام مدارس با این درسی آموزشند . اگر بنا کردیم که برای چهارم یک تفسیر ده نفری در دست مردم بدهد - شاید خارج قسمت رایج از چند دقیقه شما بگوید تالیف چهارم پیرسید ۳۸۹۴ تومن از قرار سال ۱۹۲۳ تومن نیک عده سپور میدهند - معلوم کنید چقدر سپور استخدام کرده اقمه همان شاگرد و اطمینانده !! برای چه ما از مواد پروگرام و از طرز تدریس آنها - بطور مجمل - برای شما صحبت داشتیم ؟ - برای این که شما نشان دهیم که هیچ یک از قوای روحیه طفلی - بجز حافظه - در مدارس ما پرورش نمی یابد . ابتدا شاگرد را وادار نمی کنند در مسئله ای دقت کنند - نهقی کنند . و بهر چه طفل را مجبور نمی کنند عقب حقیقت برود و برای کشف آن سعی و مجاهدت کنند . هیچگاه بچه را عادت نمی دهند مطلبی را تحقیق کنند و تا بر او حجاب یا عقلا مسلم نشده باور نکنند . شاگردی که با این نوع تربیت از مدرسه خارج شد حائش معلوم است . از خسود دارای فکر نیست . استقلال فکری و شخصیت ندارد . در هیچ یک از امور منطقی و استدلال راهنمای او نیست . برای قبول یا رد خبر یا عقیده ای اقامه برهان برایش لازم نمی شود .

